

## درس حقوق تجارت ۳

استاد: جناب آقای دکتر حکیم جوادی

تهیه شده توسط تیم حقوقی قانون

ویرایش: ناصر صفت دوست

# قانون LAW

اسناد تجاری:

اسنادی هستند در تجارت و معاملات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند که البته متعدد و مختلف هستند ولی آنچه که مورد بحث ما است آن اسنادی است که برای پرداخت و به عنوان وثیقه پرداخت در امور تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند و عبارتند از برات سفته و چک که در سایر کشورها هم به عنوان اسناد تجاری شناخته می‌شوند بنابراین اصطلاح اسناد تجاری در دو معنای عام و خاص شامل کلیه اسنادی است که در تجارت

مورد استفاده قرار می گیرند مانند بارنامه، قبض انبار و... اسناد تجاری به معنای خاص شامل برات، سفته و چک و به عبارت دیگر آن اسنادی است که به عنوان وثیقه پرداخت مورد استفاده قرار می گیرد.

قانون تجارت ما از ماده ۲۲۳ به بعد باب چهارم خود را به برات سفته و چک اختصاص داده است البته نام این باب را اسناد تجاری قرار داده است به نظر می رسد می دانسته که اسناد دیگری هم به جز این موارد وجود دارد این باب شامل چهار فصل است.

- 1 - برات
- 2 - سفته یا فته طلب
- 3 - چک
- 4 - مرور زمان اسناد تجاری

در زمان ما اسناد تجاری همانند پول در معاملات مورد استفاده قرار می گیرند به این دلیل اهمیت این اسناد کاملاً روشن است به نحوی که می توان گفت بازرگانان عملاً فقط از اسناد تجاری استفاده می کنند و از پول نقد به ندرت استفاده می کنند.

سند تجاری:

سندی از قابل معامله و به نفع دارنده ی آن، معرف وجود طلبی در سررسید کوتاه مدت می باشد. و بین بازرگانان در معاملات بازرگانی مورد استفاده قرار می گیرد.

این اوراق از نظر اینکه در اثبات دعوا مورد استناد قرار می گیرند سند نامیده می شوند و باید توجه داشت سند یکی از مهمترین ادله اثبات دعوا است.

سند از نظر ارزش اثبات و قدرت اثبات به دو دسته تقسیم می شود که قانون مدنی در مواد ۱۲۸۴ به بعد به این موارد اشاره دارد.

- 1 - سند رسمی: سندی است که در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم می شود یا نزد یکی از مامورین در چهارچوب قوانین و مقررات و در حوزه اختیارات و وظایف آن مامور تنظیم می شود.
- 2 - سند عادی: سندی که رسمی نباشد عادی محسوب می شود بنابراین اسناد تجاری، اسناد عادی هستند البته باید توجه داشت اگر سند تکذیب نشود یا اصالت آن ثابت باشد تفاوتی میان سند عادی و رسمی نخواهد بود و همچنین باید توجه شود در موارد محدودی افراد مجبور به تنظیم سند رسمی هستند و در سایر موارد افراد آزاد هستند سند عادی تنظیم کنند.

این اسناد قابل معامله هستند یعنی قابل نقل و انتقال هستند از این جهت شبیه پول هستند که ماهیتاً قابل نقل و انتقال هستند و نمی توان پول را تحت هیچ شرایطی غیر قابل نقل و انتقال دانست و اسناد تجاری نیز چون جانشین پول هستند باید از این قابلیت پول برخوردار باشند این اسناد ممکن است در وجه شخص معین باشند یا خیر، سند در وجه حامل یعنی سندی که نام مالک آن قید نشده و مالک آن کسی است که آن را در تصرف دارد در اینجا بعضی اشاره می کنند در مورد اسناد در وجه حامل قاعده ید مالک آن را مشخص میکند معاملات بین تجار معمولاً مدت دار است معمول و عرف بازار این است که معاملات بین بازرگان به صورت نقدی انجام نمی شود از مهمترین خصوصیات تجارت مدت دار بودن معامله است مدت دار بودن رویه معمول تجارت میان بازرگانان است ولی این مدت ها کوتاه است بنابراین ، این اسناد هم مدت دار هستند ولی مدت آنها کوتاه می باشد این اسناد در ابتدا برای این به وجود آمدند که بین بازرگانان مورد استفاده قرار گیرد و اگر امروز غیر بازرگانان هم از این اسناد استفاده می کنند هم از جهت مبلغ و هم از تعداد بسیار کمتر از بازرگانان است به همین دلیل نام این اسناد را اسناد تجاری قرار دادند.

نخستین فایده ای که اشاره شد این است که این اسناد وسیله پرداخت هستند پول در زمان ما وسیله مناسب برای پرداخت نیست امروزه تقریباً تمام دریافتها و پرداختهای تجاری از طریق اسناد تجاری انجام می شود و کمتر از پول نقد استفاده می کنند و استفاده از پول نقد و در معاملات کم اهمیت وجود دارد.

در مرحله اول تحویل و کنترل پول زمان بر است و هر چه که زمان بر است مخالف ذات معاملات تجاری است سرعت در تجارت اهمیت بالایی دارد کنترل ۵۰ میلیون پول نقد زمان بر است در حالی که یک چک ۵۰ میلیون تومانی به راحتی قابل کنترل است مشکل دیگر خطر حمل پول است و احتمال سرقت آن زیاد است و این خطر با ملاحظه حمل پول بانک ها توسط خودروی مخصوص به روشنی قابل مشاهده است مرحله سوم مسئله نگهداری و هزینه نگهداری پول است به نحوی که بانک ها با وجود امکان امنیتی پول را نزد خود نگه نمی دارند همچنین توصیه اقتصاددانان این است که نگه داشتن پول نقد نزد خود تورم زا است در مجموع این موارد موجب می شود در معاملات از پول استفاده نشود و از اسناد تجاری استفاده شود که هیچ یک از این مشکلات را ندارند.

دومین فایده اسناد تجاری این است که وسیله انتقال طلب می باشد.

در مورد برات: یک برات دهنده که برات را صادر می کند شخصی داریم به نام برات گیر که برات را باید پرداخت کند و یکی هم دارنده برات است، قبل از صدور برات دو رابطه حقوقی وجود دارد: ۱- برات دهنده از برات گیر قبل از صدور برات طلب داشته است ۲- برات دهنده به دارنده برات بدهکار بوده است.

بعد از وجود این دو رابطه برات صادر می شود با صدور برات، برات دهنده طلب خود را از برات گیر وصول کرده و بدهی خود را به دارنده برات پرداخت می کنند به عبارتی دیگر برات دهنده طلب خود را به دارنده برات منتقل می کند همچنین دارنده برات می تواند با ظهرنویسی آن را به دیگری منتقل کند که مکانیسم انتقال طلب به راحتی در این حالت مشاهده می شود البته سفته و چک هم با ظهرنویسی قابل انتقال هستند و بدین ترتیب انتقال طلب به وسیله آنها قابل مشاهده است.

این اسناد وسیله کسب اعتبار می باشند مثلاً ممکن است تاجری کالایی را از تاجر دیگری خریداری کند که پول آن را دو ماه دیگر پرداخت کند در این صورت لازم نیست تاجری که دارنده سند است تا سررسید مقرر صبر کند بلکه می تواند به اعتبار آن سند معامله کند، قبل از اینکه سررسید سند تجاری رسیده باشد به عبارت دیگر به دو طریق تاجر می توان از سند تجاری که سررسید آن نرسیده است استفاده کنند و به عبارت دیگر کسب اعتبار کند.

روش اول: اسکونت یا تنزیل: یعنی تاجری که دارنده سند تجاری می باشد با ظهرنویسی آن را با کم کردن ارزش آن اقدام به انتقال آن نماید مثلاً چک ۳ ماه دیگر به مبلغ ۱۰ میلیون تومان را به مبلغ ۹ میلیون و با ظهرنویسی مورد معامله قرار دهد با توجه به این که بانکها موجودی زیادی دارند و می توانند با تنزیل کردن اسناد تجاری سود دریافت کنند، دارنده سند تجاری هم پول را زودتر می گیرد البته با وجود اینکه قانون عملیات بانکی قبل از انقلاب و قانون بانکداری بدون ربا بعد از انقلاب اجازه اسکونت را به بانکها داده است بانک مرکزی در عمل چنین اجازه ای را نداده است و عملاً در بازار با نرخ بالا این عمل انجام میشود.

روش دوم: دارنده سند تجاری در معاملات خود از آن استفاده کنند تاجری که سند تجاری دریافت کرده است معاملاتی انجام می دهد و می تواند در معامله خود به جای اینکه خودش سند صادر کند سندی که دریافت کرده است را به تاجر دیگر بدهد و معامله کند مخصوصاً در زمانی که ممکن است خود تاجر اعتبار چندانی نداشته باشد ولی صادر کننده سند دارای اعتبار زیادی باشد.

مزایای اسناد تجاری:

۱- مسئولیت تضامنی امضا کنندگان سند تجاری: در مورد اسناد تجاری مختلف ممکن است افراد متعددی به اعتبارهای گوناگون سند را امضا کنند مثلاً برات را برات دهنده و برات گیر امضا می کنند و دارنده برات هم می تواند با ظهرنویسی آن را به دیگری منتقل کند همچنین ممکن است عده ای به عنوان ضامن برات دهنده یا ضامن برات گیر آن را امضا کنند.

کلیه کسانی که سند تجاری را امضا می‌کنند تا اندازه مبلغ سند مسئولیت تضامنی دارند

نکته مهم: در مسئولیت جمعی، مسئولیت تضامنی خلاف اصل است یعنی هر کجا عده ای در خصوص دینی مسئول شناخته شوند، اصل بر نسبی بودن مسئولیت آنها است مگر خلاف آن ثابت شود زیرا اصل بر عدم مسئولیت است مگر خلاف آن ثابت شود و ممکن است به موجب قانون یا قرارداد طرفین مسئولیت اشخاص، تضامنی دانسته شود در غیر این صورت در مسئولیت جمعی، مسئولیت مسئولان نسبی است و نسبت آن را قانون یا اوضاع و احوال و در صورتیکه قرارداد وجود داشته باشد قرارداد مشخص می‌کند و البته لازم به ذکر است مسئولیت تضامنی، مسئولیت جمعی است یعنی حداقل باید دو مسئول وجود داشته باشند تا مسئولیت تضامنی قابل تحقق باشد با وجود مسئولیت واحد مسئولیت تضامنی نمی‌تواند مطرح شود. در نظام حقوقی ما در مسئولیت جمعی اصل بر نسبی بودن مسئولیت است، نسبت این مسئولیت را قانون تعیین کرده مثل خانه مخروبه ای که به ارث رسیده است خراب شود و خسارت به بار آورد در اینجا مالکین خانه مسئول هستند که مسئولیت آنها نسبی است و این نسبت را قانون معین کرد که به نسبت سهم الارث آنها می‌باشد گاهی اوقات نیز نسبت را قرارداد معین می‌کند در برخی موارد نیز اوضاع و احوال نسبت مسئولیت را معین می‌کند مثل نظر کارشناسی در یک تصادف میان ۳ اتومبیل که دو اتومبیل مقصر هستند نسبت مسئولیت هر یک را کارشناس معین می‌کند یا مثلاً ممکن است دو نفر مسئولیت را بپذیرند و نسبت را معین کنند مثلاً دو نفر متعهد می‌شوند در ابتدای مهر ماه مبلغ ۱۰ میلیون تومان را به شخص ثالثی بپردازند اگر نسبت معین نشده باشد قاعده منطقی تساوی عنوان می‌شود.

ماده ۴۰۳ قانون تجارت تصریح دارد، مسئولیت تضامنی یا به موجب قانون یا قرارداد بر عهده اشخاص قرار می‌گیرد بنابراین در صورت تعدد مسئولین اگر قانون حکمی نداشته باشد و قراردادی هم به صراحت وجود نداشته باشد باید مسئولیت را نسبی بدانیم در زمینه اسناد تجاری ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسئولیت تضامنی را برای امضا کنندگان اسناد تجاری تعیین کرده است بنابراین مسئولیت تضامنی در مورد امضا کنندگان اسناد تجاری با حکم قانون می‌باشد.

۲- قرار تامین خواسته: یکی از انواع قرارهایی که دادگاه صادر می‌کند قرار تامین خواسته است وقتی کسی قرار را طرح می‌کند تا آن که دعوا منجر به صدور حکم شود مدت زیادی طول می‌کشد و وقتی خواهان حکم علیه خوانده بگیرد باید نسبت به آن حکم تقاضای صدور اجرائیه به عمل آورد و پس از صدور اجرائیه باید مالی را از اموال محکوم علیه را معرفی کند تا واحد اجرای احکام آن مال را بفروشد و از حاصل فروش آن مال این حکم به مرحله اجرا درآید و البته در بسیاری از مواقع با توجه به گذشت زمان طولانی اینکه خواهان بتواند مالی را از محکوم علیه به دستاورد ضعیف است در چنین شرایطی به دست آوردن مال از محکوم علیه سخت است زیرا اگر هم مالی داشته در مدت جریان رسیدگی به دعوا به فروش رسانده یا به صورت صوری

انتقال داده است بنابراین خواهان هزینه فراوان کرده و در دادگاه به سود او حکم صادر شده ولی این حکم برای او سودی ندارد در حالی که زحمات بسیاری برای صدور آن متحمل شده است.

با توجه به همین مشکل به همین علت خواهان بعد از ارائه دادخواست یا قبل از آن می‌تواند از دادگاه تقاضای بازداشت اموال خوانده را نماید تا پس از صدور حکم به نفع او بتواند از محل این مال طلب خود را وصول نماید. برای توقیف مال خوانده لازم است دادگاه قرار تأمین خواسته صادر نماید وقتی این قرار صادر شد در اجرای این قرار خواهان که قرار به نفع او صادر شده مالی از اموال خوانده را به اجرای احکام معرفی می‌کند و اجرای احکام این مال را بازداشت می‌کند.

این یک بعد موضوع است و مسئله بعد دیگر هم دارد، اگر خواهان در دادگاه محکوم به بی حقی شود و دادگاه دعوی او را رد کند ممکن است به علت این بازداشت که مدتی به طول انجامیده خسارتی به صاحب مال وارد شده باشد برای اینکه در صورت رد دعوا خسارت وارده به خوانده قابل جبران باشد دادگاه حکم می‌دهد که خواهان مبلغ معینی را در صندوق دادگستری تودیع نماید تا در صورتی که دعوا رد شود و به دلیل بازداشت اموال خوانده ضرری به او وارد شده باشد از محل این وجه خسارت خوانده جبران شود، میزان این سپرده را دادگاه تعیین می‌کند که معمولاً حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد از ارزش مال توقیف شده است البته در برخی موارد دادگاه اقدام به صدور قرار تأمین می‌کند بدون الزام خواهان به سپردن وجه در صندوق دادگستری از جمله این موارد عبارتند از دعوایی که مستند آن‌ها برات سفته یا چک باشد مواد ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ۲۹۲ قانون تجارت به این موضوع اشاره دارد در این خصوص روشن است که این امر امتیاز بزرگی است زیرا خواهان دیگر نیازی نیست مبلغی را در صندوق دادگستری بگذارد و قطعاً این موضوع به نفع اوست.

اسناد تجاری در تجارت بین الملل:

به علت توسعه ابزارها تجارت بین الملل بسیار گسترش یافته است جهان در حال صنعتی شدن است و جهان صنعتی نیاز به تجارت و بازرگانی دارد از ویژگی‌های مهم تجارت غیر نقدی بودن و مدت دار بودن معاملات است همانطور که قبل از این هم اشاره کردیم که امروزه بیشترین معاملات در تجارت به صورت غیر نقدی انجام می‌گیرد و افراد به جای پول از برات و سفته استفاده می‌کنند زیرا برات و سفته اسناد تجاری مدت دار هستند همین رویه در تجارت بین الملل هم وجود دارد در تجارت بین الملل هم پرداخت‌ها مدت دار هستند به این دلیل غالباً از برات و سفته برای پرداخت استفاده می‌شود مثلاً براتی در انگلستان صادر می‌شود در هلند قبول می‌شود و به نفع یک بلژیکی ظهرونی می‌شود به عبارت دیگر بازرگانی و تجارت بین الملل باعث شده تا اسناد

تجاری هم جنبه بین المللی پیدا کنند حال در این صورت اگر مقررات مختلفی بر اسناد تجاری حاکم باشد تکلیف دارنده آن سند مشخص نخواهد بود به این دلیل برای یکسان سازی این مقررات تلاش‌های بسیاری انجام شد ولی به دلیل جنگ جهانی اول این تلاش‌ها متوقف شد البته پس از جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۳۰، سه کنوانسیون در ژنو در خصوص برات و سفته به تصویب رسید.

کنوانسیون اول شامل دو ضمیمه است، شماره اول را قانون یکنواخت ژنو می‌گویند این ضمیمه حاوی کلیه مقرراتی است که راجع به قواعد ماهوی برات است شماره دوم شامل رزروها است این که همه کشورها به این کنوانسیون می‌پیوندند زیرا کشورهای مختلف دارای نظام‌های مختلف حقوقی هستند که دارای برخی اختلافات شدید می‌باشند به همین دلیل یا کنوانسیون به تصویب نمی‌رسید یا تعداد مواد آن بسیار اندک می‌شد راه حل مناسب اعطای حق رزرو به کشورها می‌باشد یعنی بررسی می‌کند در مورد مسائل اختلافی به کشورها حق رزرو می‌دهند البته موارد اختلاف تعیین می‌شوند مثلاً در کنوانسیون آمده برات را صادر کننده باید امضا کند ماده ۲ مقررات رزرو در این خصوص بیان می‌کند هر چیز دیگری مانند مهر به جای امضا قابل پذیرش است کنوانسیون دوم ژنو حاوی موادی است در مورد تعارض قوانین، از همان ابتدا مشخص بود همه کشورها به این کنوانسیون نمی‌پیوندند بنابراین احتمال تعارض قوانین وجود داشت زیرا ممکن بود در مورد مسئله ای واحد ۲ قانون متعارض لازم اجرا باشند.

این کنوانسیون دوم احکام تعارض قوانین را بیان می‌کند، کنوانسیون سوم راجع به حق تمبر بود یعنی پرداخت مالیات در صدور اسناد تجاری، این بحث بین حقوقدانان مطرح بود که اگر بین قوانین کشوری لازم است برای صدور سند تجاری تمبر ابطال شود آیا عدم ابطال تمبر موجب خدشه به اعتبار سند میشود. کنوانسیون سوم ژنو به این سوال پاسخ منفی می‌دهد یعنی عدم ابطال تمبر (عدم پرداخت مالیات) موجب خدشه به اعتبار سند نمی‌شود این کمیسیون در آن زمان به تصویب تمام کشورهای اروپایی رسید به جز انگلستان زیرا در انگلستان حق تمبر وجود نداشت با گذشت زمان و پیدایش کشورهای دیگر آمریکا، استرالیا و غیره در فعالیت‌های تجاری، سازمان ملل تصمیم گرفت مقررات ژنو را اصلاح کند تا همه کشورها به آن بپیوندند.

راجع به حقوق تجارت ۶۰ عنوان آنیسترال کمیته ای جهت این اصلاح مشخص نمود در ابتدا این کمیته تصمیم گرفت مقررات را در کل جهان واحد کند ولی به زودی به این نتیجه رسید که باید راه کمیسیون ژنو را در پیش گرفت.

در سال ۱۹۳۱ میلادی سه کنوانسیون در مورد چک به تصویب رسید که بسیار شبیه به سه کنوانسیون قبلی است و تاکنون هیچ اقدامی در جهت اصلاح آن به عمل نیامده زیرا چک در پرداخت‌های بین المللی عملاً جایگاهی ندارد چرا که مربوط به پرداخت‌های نقدی است در حالی که بیشترین معاملات بین المللی مدت دار است و به این دلیل با چک

انجام نمی شود، ما تا کنون به هیچ یک از این کنوانسیون ها نپیوسته ایم و مقررات مربوط به اسناد تجاری در نظام حقوقی ایران همان است که در باب چهارم قانون تجارت آمده است باب چهارم قانون تجارت شامل چهار فصل است ۱- برات ۲- سفته ۳- چک ۴- مرور زمان اسناد تجاری

برات:

مهمترین و قدیمیترین سند تجاری مورد استفاده است، عمده قواعد عمومی راجع به اسناد تجاری در ذیل احکام برات مطرح شده است که در مواد ۲۲۳ تا ۳۰۶ قانون تجارت بیان شده است و به این دلیل مطالعه برات اهمیت فوق العاده ای دارد. برات در قانون تجارت تعریف نشده است در حالی که قانون سفته و چک را تعریف کرده است علت تعریف نکردن برات این است که در مورد ماهیت حقوقی آن بین حقوقدانان اختلاف نظر است، برات سندی است که به موجب آن برات دهنده به برات گیر دستور می دهد مبلغی را در سررسید معین به دارنده برات یا به کسی که دارنده برات، سند را به او انتقال می دهد پرداخت کند بنابراین در مورد برات سه شخص قابل ملاحظه می باشد ۱- برات دهنده یعنی شخصی که برات را صادر کرده است ۲- برات گیر یعنی شخصی که برات بر عهده او صادر شده است ۳- دارنده برات یعنی شخصی که برات در وجه او یا به نفع او صادر شده است، قبل از صدور برات عمده تاً دو رابطه حقوقی و موجود بوده است.

الف) رابطه حقوقی برات دهنده و برات گیر

ب) رابطه حقوقی برات دهنده و دارنده برات

مثلاً شخص الف معامله ای با شخص ب کرده بوده است و بابت مبلغ و ثمن آن از شخص ب طلبکار شده است از طرف دیگر شخص الف معامله ای با شخص ج داشته است و کالایی را از شخص ج خریداری کرده و مبلغ و بهای آن را به شخص ج بدهکار بوده است در این حالت شخص الف براتی صادر می کند به عهده شخص ب یعنی شخص ب برات گیر می شود و در وجه شخص ج که در این صورت شخص ج دارنده برات میشود با صدور این برات شخص الف طلبی را که از شخص ب دارد به شخص ج انتقال می دهد.

نکته: با صدور برات یک رابطه جدید ایجاد می شود برات دهنده با صدور برات آن را امضا می کند و برات گیر هم زمانی که برات را قبول کند آن را امضا می کند با این دو امضا این دو نفر در مقابل دارنده برات تعهدی را به عهده می گیرند که هیچ ارتباطی با دو رابطه قبلی ندارد یعنی اگر رابطه قبلی حتی گسیخته شود رابطه ناشی از امضای سند تجاری از بین نمی رود به عنوان مثال برات گیر برات را قبول میکند ولی بعداً می فهمد که به اشتباه قبول کرده و سند را امضا کرده و به برات دهنده بدهکار نبوده است با



اثبات عدم بدهکاری به برات دهنده رابطه مبنایی از بین می رود ولی این امر سبب از بین رفتن رابطه ناشی از صدور سند تجاری نمی شود به عبارتی دیگر، یکی از مهمترین اوصاف و خصوصیات اسناد تجاری وصف تجریدی اسناد تجاری است یعنی اسنادی مجرد از رابطه مبنایی هستند .

### ماهیت حقوقی برات:

در مورد ماهیت حقوقی برات نظرات مختلفی بیان شده است

برخی معتقدان ماهیت حقوقی برات را می توان با نظریه و تئوری انتقال طلب توجیح کرد مکانیسم انتقال طلب به روشنی در برات مشخص است یعنی زمانی برات دهنده، برات را بر عهده برات گیر و به نفع دارنده برات صادر می کند طلب برات دهنده از برات گیر به دارنده برات منتقل می شود با انتقال طلب طبق مقررات حقوق مدنی دارنده برات فقط می تواند به برات گیر رجوع کند و برات دهنده بری الذمه می شود ولی طبق مقررات قانون تجارت در صورت عدم پرداخت برات دارنده برات هم می تواند به برات گیر رجوع کند و هم به برات دهند البته پس از اینکه برات گیر برات را پرداخت نکرد. بنابراین، این نظریه و تئوری در خصوص ماهیت برات چندان قابل قبول نمی باشد.

برخی دیگر ماهیت حقوقی برات را از طریق تبدیل تعهد توجیح می کند، این عده از حقوقدانان می گویند وقتی دارنده برات طلبکار بوده است می پذیرد آنچه را که از برات دهنده طلبکار بوده است از برات گیر بگیرد در واقع به تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون رضایت می دهد، همانطور که می دانیم تبدیل تعهد از اسباب سقوط تعهدات است و با این نظریه و تئوری دارنده برات فقط حق مراجعه به برات گیر را خواهد داشت و حق رجوع به برات دهنده را از دست می دهد در حالی که این برداشت خلاف مقررات و احکام برات است زیرا در صورت عدم پرداخت برات توسط برات گیر دارنده برات حق رجوع به برات دهنده را هم خواهد داشت به این دلیل این نظریه و تئوری حقوق مدنی هم نمی تواند ماهیت حقوقی برات را توجیح کند.

برخی ماهیت حقوقی برات را منطبق با وکالت دانسته اند این گونه بیان کردند که برات دهنده با صدور برات به برات گیر وکالت می دهد مبلغی را در سر رسید معین به دارنده برات پرداخت کند اگر این تئوری را مبنا قرار دهیم و بر اساس آن ماهیت حقوقی برات را تعیین کنیم به نتیجه قابل قبول نمی رسیم زیرا وقتی کسی به وکالت از دیگری تعهد به عملی می کند اگر آن عمل انجام نشود متعهد له نمی تواند به وکیل مراجعه کند بلکه فقط حق مراجعه به موکل را دارد یعنی در وکالت اگر تعهد انجام نشود متعهد له حق مراجعه به وکیل را نخواهد داشت در حالی که مطابق قانون تجارت برات گیر بدهکار واقعی است و وقتی برات گیر برات را قبول کرده و اقرار به بدهکاری خود کرده است و

بدهکار واقعی برات گیر است پس این نظریه هم قابل قبول نیست ملاحظه می‌شود نظریات و تئوری های کلاسیک و منطبق با حقوق مدنی در خصوص ماهیت حقوقی برات قابل پذیرش نیست حقوقدانان تئوری جدیدی را مطرح کردند تحت عنوان تئوری عمل به ظاهر یعنی باید به متن سند مراجعه کنیم و آن چیزی که حقوق دارنده سند را تعیین می‌کند مندرجات سند است حقوق و تکالیف طرفین همان است که در سند آمده است اگر برات گیر و برات دهنده و دیگران را مسئول می‌شناسیم به اعتبار امضای است که در سند آمده است و در تعیین حقوق ناشی از سند تجاری و برات، کاری به رابطه مبنایی نداریم، هرکس سند تجاری را امضا می‌کند تعهد مستقل را به عهده می‌گیرد و بر اساس آن متعهد می‌شود به همین دلیل اگر رابطه مبنایی فسخ شود، باطل شود یا به هر نحو دیگری از بین رود تعهدات امضا کنندگان از بین نمی‌رود زیرا امضای سند تجاری تعهدی مستقل محسوب می‌شود.

شرایط شکلی برات، برات از نظر شکلی باید چه شرایطی داشته باشد که در ماده ۲۲۳ قانون تجارت ۹ شرط در این خصوص اشاره شده است.

۱- امضا یا مهر برات دهنده: این امضا یا مهر دلالت بر قصد انشاء برات دهنده می‌کند بر این اساس باید دلیلی وجود داشته باشد که به موجب آن احراز شود برات دهنده برات را ایجاد کرده است و تنها دلیل معتبر در این خصوص امضا یا مهر است این پرسش مطرح می‌شود علاوه بر امضا، مهر هم معتبر است؟ در زمان تصویب این قانون اکثریت مردم ایران بی سواد بودند و اگر تنها امضا معتبر شناخته میشد بسیاری از بازرگانان از صدور برات محروم می‌شدند و این امر قابل قبول نبوده و همچنین امضا پدیده‌ای غربی بود و در آن زمان تازه در ایران رواج یافته بود و مردم ایران چندان امضا را نمی‌شناختند و بیشتر از مهر استفاده میکردند به نحوی که در بیشتر قباله نامه‌ها و مبیاعه نامه‌ها مداخله کنندگان با مهر اعلام و ابراز قصد خود را می‌کردند آنچه عرفاً از امضا فهمیده می‌شود، آن است که فرد شخصا به دست خود آن چیزی را که امضا می‌داند روی کاغذ بکشد اگر امضا طرف به صورت مهر در آمده باشد در این خصوص امضا محسوب نشده و مهر تلقی می‌شود.

نکته: اگر دو یا چند شخص به عنوان برات دهنده، براتی را امضا کنند و دارنده برات لازم باشد به آنها مراجعه کند مسئولیت آنها در مقابل دارنده برات نسبی است یا تضامنی؟ برای تعیین مسئولیت باید توجه داشت در مسئولیت جمعی اصل بر مسئولیت نسبی است مگر اینکه تصریحی در قانون داشته باشیم یا قراردادی برخلاف آن وجود داشته باشد در این خصوص تصریح قانونی نداریم که اگر صادر کنندگان برات متعدد بودن خودشان در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند، پس مسئولیت آنها نسبی است

همچنین اگر تعداد برات گیر ها هم متعدد باشد باز هم مسئولیت آنها در مقابل دارنده نسبی است.

۲- قید کلمه برات: علت آن است که صادر کننده برات بدانند و همچنین کلیه امضاکنندگان برات بدانند که چه تعهدی برعهده آنان قرار می گیرد زیرا تعهدات ناشی از امضای اسناد تجاری تعهدات سنگینی است و باید صادر کنندگان برات از آن مطلع باشند.

۳- تاریخ تحریر به روز، ماه و سال: یعنی تاریخ صدور برات با ذکر روز، ماه و سال. برای این شرط فوایدی می توان ذکر کرد از جمله این که تاریخ معلوم می کند که برات دهنده هنگام صدور برات حق چنین کاری را داشته است یا خیر. به عنوان مثال: تاجر ورشکسته در حالت توقیف از مداخله در امور تجاری و صدور اسناد تجاری از جمله صدور برات ممنوع است و صدور برات توسط چنین فردی باطل خواهد بود.

سوال: ماده ۲۲۵ قانون تجارت بیان می کنند: تاریخ تحریر با تمام حروف نوشته شود و اگر علی رقم تصریح این ماده تاریخ تحریر با عدد نوشته شود نه با حروف آیا این تاریخ معتبر است؟ یا تاریخ عدد به تنهایی به منزله عدم بیان تاریخ است؟

شرایط اساسی صحت برات در ماده ۲۲۳ قانون تجارت بیان شده و فقط گفته شده برات باید دارای تاریخ صدور باشد و نگفته به حروف یا عدد. ماده ۲۲۶ قانون تجارت هم که در مورد ضمانت اجرای شرایط است صرفا مربوط به شرایط مذکور در ماده ۲۲۳ قانون تجارت است بنابراین حکم ماده ۲۲۵ قانون تجارت دارای ضمانت اجرا نیست. نحوه بیان این ماده هم فواید این برداشت است پس نوشتن تاریخ به عدد خدشه ای به اعتبار برات وارد نمی کند.

۴- نام دارنده برات: نکته مهم این شرط آن است که بر اساس آن نتیجه می گیریم نمی توان برات را در وجه حامل صادر کرد، در حالی که در مورد سفته و چک صدور سند در وجه حامل بلامانع است به نظر قابل توجیه نیست که چرا سفته و چک می توانند در وجه حامل صادر شوند ولی برات نمی تواند. مخصوصا با توجه به این که برات هنگامی که در وجه شخص معین صادر شد آن شخص می تواند آن را در وجه حامل ظهرنویسی کند یا فقط آن را امضا کند که در حکم سند در وجه حامل است. فلسفه ایجاد برات سهولت حمل و نقل پول از شهری به شهر دیگر است و حمل و نقل پول خطرناک است برای مقابله با این خطر این رسم معمول شد که پول مورد نظر را در شهر خود به صرافی می دادند و از آن صراف نوشته ای می گرفتند به عهده صراف دیگر در شهر مقصد، به همین دلیل در آن نوشته نام تاجر ذکر می شد و صراف در شهر مقصد فقط وجه را به کسی می داد که نام او در سند نوشته شده است بنابراین سرقت یا گم شدن سند مشکلی ایجاد نمی کرد، نوشتن نام دارنده برات در سند یادگار آن زمان است.

۵- قید نام برات گیر: کسی که برات را می پردازد برات گیر است بنابراین قید نام او ضروری است زیرا اولاً لازم است دارنده برات برای قبول کردن برات را به برات گیر ارائه دهد ثانیاً در سررسید مقرر نزد برات گیر رفته و مبلغ را دریافت نماید. توجه به این نکته ضروری است بر اساس ماده ۲۴۹ قانون تجارت قید نام برات گیر در برات، برات گیر را متعهد نمی‌کند مگر اینکه برات گیر، برات را قبول کرده باشد.

سوال: آیا صادر کننده برات می تواند برات را به نام خود صادر کند؟ یعنی صادر کننده و برات گیر یک نفر باشند؟

به نظر می رسد نمی تواند زیرا قانونگذار در مقام بیان بوده، ولی چنین کاری را بیان نکرده است. علیرغم اینکه در مقام بیان موارد مجاز بوده، چون به این موضوع اشاره نکرده بایدگفت که مورد پذیرش او نبوده است علاوه بر این برات در وجه خود در واقع همان سفته میباشد که در ادامه به بررسی تفصیلی آن خواهیم پرداخت.

۶- مبلغ برات: به جز پول نمی توان چیز دیگری به عنوان موضوع تعهد در برات قید نمود البته پول خاصی مورد نظر نیست و هر واحد پول دیگری نیز بر اساس ماده ۲۵۲ قانون تجارت قابل پذیرش است. این ماده بیان می کند پرداخت برات با نوع پولی است که در برات تعیین شده است. اگر پولی غیر از پول ملی به عنوان مبلغ برات تعیین شود ممکن است در زمان تادیه برات مشکلی بروز نماید و برات گیر نتواند با توجه به مقررات محدود کننده ارز خارجی تهیه نماید به همین دلیل کنوانسیون های بین المللی در شرایطی پرداخت وجه برات، به وجه رایج مملکت را صحیح می دانند. حتی اگر مبلغ برات بر حسب واحد دیگری باشد در این حالت برات گیر با پرداخت و قیمت آن ارز به وجه رایج مطابق قیمت روز بری الذمه می شود و نمی‌توان او را اجبار به پرداخت ارز کرد چون تکلیف ما لا یكلف است.

۷- تاریخ تادیه برات: تاریخ پرداخت باید معلوم باشد تا زمان ایفای تعهد مشخص شود تاریخ تادیه ممکن است به ۴ صورت مشخص شده باشد ماده ۲۴۱ قانون تجارت به این چهار حالت اشاره دارد:

الف) به رویت: یعنی سررسید برات زمانی است که برات گیر، برات را رویت می کند یعنی تاریخ آن موکول به اراده ی دارنده سند است در واقع می توان گفت به رویت یعنی حال بودن زمان پرداخت سند ولی در عمل این نوع تعیین تاریخ به ندرت اتفاق می‌افتد و کسی برات به رویت دیگری نمی دهد و به جای آن از چک در عمل استفاده می‌کنند زیرا کارکرد اصلی برات در پرداخت های مدت دار است و سررسید آن عموماً به وعده است نه به رویت در حالی که چک در پرداخت های حال استفاده میشود.

ب) به بعد از رویت: مانند اینکه در برات تعیین شود سه ماه پس از رویت برات توسط برات گیر مبلغ آن پرداخت می‌شود.

ج) به وعده از صدور: مانند اینکه در برات تاریخ تادیه آن ۳۰ روز پس از تاریخ صدور تعیین گردد.

د) منجزا تاریخ سررسید مشخص شود: مانند تاریخ پنجم بهمن سال ۹۸ اگر به یکی از این چهار طریق تاریخ برات مشخص نشود برات بدون تاریخ محسوب می شود.

۸- تعیین محل تادیه برات: ممکن است محل پرداخت وجه برات محل اقامت برات گیر باشد یا محل دیگری باشد البته در عمل از آنجا که برات گیر متعهد به پرداخت وجه برات است، به طور معمول محل پرداخت برات، محل اقامت برات گیر است ولی این امر بستگی به اراده طرفین سند دارد و می توانند محل دیگری را تعیین نمایند، تعیین محل پرداخت هم از نظر دارنده سند و هم از نظر برات گیر دارای اهمیت است اگر محل پرداخت تهران باشد دارنده برات که اقامتگاه او در تهران واقع شده است می تواند روی این پول در تهران در تاریخ برات حساب نماید ولی اگر محل پرداخت شیراز باشد ممکن است انتقال پول به تهران زمان برد و نتواند در تاریخ برات روی پول در تهران حساب کند.

۹- تصریح به اینکه نسخه اول و دوم و... می باشد: قانون اجازه میدهد که برات در چند نسخه صادر شود تا اگر در یک نسخه صادر شود و آن نسخه گم شد دیگر دارنده برات هیچ سندی در اختیار نخواهد داشت البته صدور برات در نسخ متعدد می تواند موجب شود خطر سوء استفاده از برات به وجود آید به این دلیل در ایران عموماً در عمل یک نسخه صادر می شود.

ضمانت اجرای شرایط مذکور در ماده ۲۲۳ قانون تجارت:

ماده ۲۲۶ قانون تجارت ضمانت اجرای شروط مذکور در ماده ۲۲۳ را بیان می کند، ماده ۲۲۶ وصف و اهمیت اساسی برای این شروط در نظر گرفته است و ضمانت اجرای عدم رعایت آنها را مشخص می کند در ماده ۲۲۳ دیدیم ۹ شرط ذکر شده است که ضمانت اجرای مذکور در ماده ۲۲۶ مربوط به ۷ شرط از این ۹ شرط است. ۲ شرطی که بدون ضمانت اجرا هستند عبارتند از:

۱- شرایط مذکور در صدر ماده ۲۲۳ این شرط عبارت بود از امضا یا مهر صادر کننده برات. پیش بینی نشدن ضمانت اجرا برای این شرط در ماده ۲۲۶ به این معنا نیست که عدم رعایت آن ضمانت اجرا ندارد بلکه در هر عمل حقوقی قصد انشاء لازم است بر این اساس در صدور برات هم قصد انشاء لازم است و این قصد انشاء با امضا یا مهر

اعلام می گردد بنابراین بدون مهر یا امضا که بیانگر قصد انشاء است سند تجاری هیچ اعتباری ندارد.

۲- شرط مذکور در بند اول ماده ۲۲۳ قانون تجارت یعنی قید کلمه برات روی نوشته، علت عدم مقرر کردن ضمانت اجرا برای بند یک این است که نهایتاً برات دهنده یا برات گیر در جایی به کار می رود بنابراین کلمه برات بالاخره در جایی به کار می رود به همین دلیل ضمانت اجرای مجزا و سنگینی برای آن پیش بینی نشده است و اگر یکی از آن ۷ شرط دیگر موجود نباشد دیگر آن نوشته برات نخواهد بود و از مقررات برات تبعیت نمی کند.

سوال: آیا شرایط مذکور در ماده ۲۲۳ باید از ابتدا در سند موجود باشند و یا اینکه اگر فردی کاغذ سفیدی را امضا کند یا برخی شرایط را ایجاد کند و برخی دیگر را خالی بگذارد و بعد دریافت کننده شرایط را کامل کند آیا باز هم آن سند برات خواهد بود؟

در حقوق دو اصطلاح سفید امضا و سفید مهر وجود دارد یعنی کسی سندی را امضا یا مهر کرده و به دیگری بدهد، متداول بودن این دو اصطلاح نشان دهنده صحت وجود از این امر است یعنی صادر کننده می تواند تمام یا بخشی از آن را خالی بگذارد و آن را امضا کند و دریافت کننده برات آن را کامل کند. این امر بر اساس تئوری وکالت توجیه می شود در واقع صادر کننده به دریافت کننده برات وکالت می دهد سایر شرایط را کامل کند پس سفید امضا یا سفید مهر دادن سند به دیگری به معنای دادن وکالت در تکمیل مندرجات سند است البته این وکالت به اولین فرد داده شده است نکته اساسی آن است که دارنده ممکن است خارج از حدود اختیاراتی که صادر کننده به او داده است در سند عمل کند، نکته قابل توجه این است که کسی که سند سفید امضا به کسی می دهد حتماً قول و قرارهایی با هم داشته اند به عنوان مثال شخصی به دیگری سند سفید امضا می دهد تا پس از محاسبه مبلغ طلب خود را روی آن نوشته و آن را وصول کند اما دریافت کننده چند برابر آن را می نویسد اگر سند به شخص ثالثی رسیده باشد آیا صادر کننده می تواند به شخص ثالث مراجعه کند؟ پاسخ این است که خیر زیرا در اسناد تجاری اصل تجریدی بودن اسناد حاکم است و نمی توان نسبت به شخص ثالث وجه سند را نپرداخت، پس باید وجه سند را نسبت به شخص ثالث پرداخت نماید و در ادامه علیه دریافت کننده سند اقامه دعوا نمایند.

نکته: گاهی اوقات شرایطی پیش می آید که نماینده سند تجاری صادر می کند در این صورت این پرسش مطرح است: آیا صادر کننده سند تجاری اصیل محسوب می شود یا نماینده و به عبارت دیگر کدام یک را باید صادر کننده سند محسوب کرد؟

با اجتماع دو شرط این سند به نام اصیل صادر شده محسوب می شود:

۱- وقتی نماینده در سند عنوان نمایندگی خود را ذکر کنند زیرا در حقوق تجارت یک اصل وجود دارد و آن تئوری عمل به ظاهر است یعنی در اسناد تجاری باید عمل به ظاهر آن کرد پس اگر عنوان نمایندگی خود را ذکر نکرد باید گفت به نام خودش سند صادر کرده است زیرا اصل بر عمل به ظاهر است.

۲- نماینده دارای اختیار باشد اگر نماینده اختیار نداشته باشد، خود نماینده صادر کننده سند محسوب می شود، گاهی اوقات نماینده اختیار دارد ولی از اختیار خود تجاوز می کند مثلاً نماینده به اختیار صدور سند تا یک میلیارد داشته ولی سندی به مبلغ ۵ میلیارد صادر می کند در اینجا می توان گفت دو صادر کننده داریم، تا یک میلیارد تومان اصل صادر کننده است و ۴ میلیارد باقیمانده نماینده خود صادر کننده محسوب می شود.

نکته: امروزه برای برات و سفته فرم های مخصوصی وزارت اقتصاد چاپ کرده است که قبلاً اشاره داشتیم برای صدور برات و سفته باید مالیات پرداخت شود روی این فرم های مالیاتی نقش تمبر مالیاتی به میزان نیم در هزار مبلغ سند چاپ شده یعنی با خرید فرم خاص مالیات مربوطه هم تا سقف مبلغ تعیین شده پرداخت شده است.

نکته: تنظیم سند بر روی غیر از این فرم ها ممنوعیتی ندارد حتی عدم الصاق تمبر بر روی این اسناد موجب باطل شدن سند نمی شود بلکه تخلف مالیاتی محسوب شده و فرد به میزان دو برابر مبلغ جریمه می شود.

### محل برات:

فرانسوی ها یک تئوری و نظریه دارند تحت عنوان محل برات بر اساس این نظریه محل برای عبارت است از: طلب یا اعتباری که برات دهنده هنگام سررسید نزد برات گیر دارا است، در اغلب موارد محل برات عبارت است از طلب برات دهنده از برات گیر مثلاً فردی جنسی به دیگری می فروشد ولی پول آن را نمی گیرد و به جای طلب خود براتی در وجه بدهکار یعنی برات گیر صادر می کند در اینجا محل برات طلب فروشنده از خریدار یعنی برات گیر می باشد، در برخی موارد محل برات عبارت است از: اعتباری که برات دهنده نزد برات گیر دارد در تمام بانک ها به مشتری های خوش حساب تا سقف مبلغی معین اعتبار ممکن است داده شود تا از پول بانک مثلاً چک صادر کند این مشتری که برای او اعتباری تعیین شده است می تواند برای استفاده از این اعتبار برات صادر کند لازم نیست محل برات هنگام صدور موجود باشد بلکه ممکن است هنگام صدور، برات دهنده از برات گیر طلبکار نباشد ولی در هنگام سررسید برات دهنده از برات گیر طلبکار شده باشد برای مثال شرکتی با فردی قراردادی می بندد که آن فرد کالایی را برای شرکت بسازد در این قرارداد مبلغ تعیین می شود و زمان پرداخت مبلغ پس از انجام کار تعیین می شود در این حالت فرد میتواند پس از انعقاد

قرارداد در وجه شرکت برای زمان سررسید برات صادر کند در حالی که در زمان صدور برات چون موضوع قرارداد انجام نشده محل برات وجود ندارد، ولی در سررسید مقرر محل برات و آن طلب ایجاد می‌شود.

### اثر تئوری محل:

اثر مهم این تئوری این است که به محض صدور برات محل برات انتقال می‌یابد این محل برات از برات دهنده به دارنده برات منتقل می‌شود یعنی با صدور برات، برات گیر یعنی بدهکار در مقابل دارنده برات بدهکار است نه در مقابل صادر کننده یعنی با صدور برات اعتبار یا طلب برات دهنده نزد برات گیر به دارنده برات انتقال پیدا میکند.

صرف صدور برات کافی است تا محل آن از صادر کننده برات به دارنده منتقل شود یعنی با صدور قسمتی از دارایی برات دهنده به دارنده برات منتقل می‌شود، پس دیگر طلبکاران برات دهنده نسبت به آن مال حقی ندارند اثر این ویژگی بیشتر وقتی ظاهر می‌شود که برات دهنده بعد از صدور برات ور شکسته شود فرض کنید تاجری یک میلیون تومان دارایی دارد و ۱۰ میلیون تومان بدهی در این جا یک دهم طلب، طلبکاران موجود است اگرچه دارنده برات هم یکی از طلبکاران است ولی در جایی که تئوری محل پذیرفته شده است محل برات به دارنده انتقال یافته و دیگر سایر طلبکاران نسبت به محل برات هیچ حقی ندارند.

وقتی برات گیر برات را قبول می‌کند به این معنا است که برات صاحب محل است ولی ممکن است، برات گیر برات را قبول کند اما بدهکار نباشد مثلاً بر اساس سوابق خویشاوندی و دوستی برات را قبول کرده باشد به عنوان مثال شخصی برات کسی را که دوست او صادر کرده است و به عهده او است قبول می‌کند بدون اینکه به او بدهکار باشد و نوشته ای از دوست خود می‌گیرد مبنی بر اینکه اگرچه برات او را قبول کرده ولی به او بدهکار نبود است در اینجا اگر در سررسید دارنده به برات گیر مراجعه کند برات گیر نمی‌تواند به آن یادداشت استناد کرده و بگوید بدهکار نیستم پس برات را نمی‌پردازم بر این اساس طبق اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات، بدهکار بودن در مقابل دارنده با حسن نیت برات قابل استناد نیست.

ملاک حسن نیت هم عدم اطلاع است و اصل بر حسن نیت و عدم اطلاع میباشد بنابراین برات گیر باید مبلغ برات را که قبول کرده بپردازد و آن یادداشت تنها بین او و دوست وی قابل استناد است نه در مقابل اشخاص ثالث به این نوع برات هایی که برات گیر بدون بدهکار بودن قبول می‌کند برات سازشی یا دوستانه می‌گویند.



## قبول برات:

صرف درج نام برات گیر او را متعهد نمی کند برات در صورتی علیه برات گیر قابل استناد است که برات گیر ان را قبول کند. اگر برات را قبول نکند هیچ تعهدی در مقابل دارنده برات نخواهد داشت. برات هنگام صدور سندی ناقص است، زمانی کامل میشود و مورد استفاده قرار می گیرد که برات گیر آن را قبول نماید، مصلحت دارنده برات در آن است که هر چه سریعتر برای گرفتن قبولی آن را به برات گیر ارائه کند زیرا در این صورت زودتر از پرداخت برات و در مورد آن اطمینان پیدا می کند البته دارنده برات تکلیفی به این کار جز در خصوص مواد ۲۷۴ و ۲۷۵ قانون تجارت ندارد پس می تواند تا زمان سررسید صبر کند آنگاه برات را به برات گیر ارائه کند در این صورت عمل قبولی و پرداخت همزمان انجام می شود البته بر اساس مواد ۲۷۴ و ۲۷۵ قانون تجارت اگر در برات شرط شده باشد در زمان معینی قبولی بگیرد یا قبل از سررسید قبولی بگیرد باید این کار را انجام دهد زیرا یکی از شرایط مندرج در برات است و دارنده برات در این حالت برات را با این شرط قبول کرده است.

## شرایط قبولی برات:

بر اساس ماده ۲۳۸ قانون تجارت قبولی برات دارای دو شرط است:

- ۱- به صورت کتبی باشد: قبولی شفاهی حتی اگر به اثبات برسد با توجه به قوانین حاکم برات اعتبار ندارد و حتماً باید کتبی باشد.
- ۲- قبولی در خود سند درج شود: چرا که در اسناد تجاری باید کلیه حقوق دارنده سند از خود سند ناشی شود یعنی همه تعهدات در خود سند درج شود. اسناد تجاری قابل نقل و انتقال هستند همانند پول پس وقتی مورد نقل و انتقال قرار می گیرند باید کلیه حقوق مربوط به آن هم منتقل شود به همین دلیل باید کلیه حقوق و تعهدات در خود سند مندرج باشد وگرنه اگر در سند دیگری بیان شده باشد ممکن است مورد غفلت قرار بگیرد معمولاً روی سند برای قبولی در نظر گرفته شده است در فرم های چاپی وزارت دارایی هم روی فرم جایی برای نوشتن قبولی در نظر گرفته شده است البته نوشتن قبولی پشت برات اشکالی ندارد ولی کاملاً باید مشخص شود کسی که پشت برات قبولی را انجام داده متعهد به پرداخت است برای قبولی جمله یا کلماتی معین لازم نیست هر جمله یا عبارتی که به کار رود و متضمن قبولی باشد مورد پذیرش است البته امضا هم لازم است به جز این دو شرط، شرط دیگری لازم نیست مثلاً حتی تاریخ اگرچه اهمیت زیادی دارد ولی در قبولی برات ذکر تاریخ شرط نیست در مقررات تجارت سعی شده مقررات در حداکثر راحتی و سهولت باشند حتی در برخی موارد تاریخ قبولی بسیار مهم است مثلاً اگر در سررسید برات به وعده از رویت باشد باید تاریخ قبولی معلوم باشد اما حتی

در این مورد هم اگر تاریخ ذکر نشود خللی ایجاد نخواهد شد و بر اساس ماده ۲۲۸ قانون تجارت، قانون اماره ای در این خصوص ارائه داده است و در این موارد تاریخ قبولی همان تاریخ صدور برات محسوب می شود قبولی ماهیتاً به معنی اقرار است وقتی برات گیر، براتی را قبول می کند این قبولی دلالت بر آن دارد که برات گیر پذیرفته بدهکار است، کسی که بدهکار به برات دهنده نیست برات را قبول نمی کند اگر برات گیر، برات را قبول کند یعنی اظهار کرده به برات دهنده بدهکار است مواد ۲۳۰ و ۲۳۱ قانون تجارت به این موضوع اشاره دارند زیرا قبول کننده برات باید وجه برات را بپردازد و حق نکول یا رد کردن را ندارد. قبول برات حتی از اقرار قانون مدنی هم محکم تر است زیرا اقرار کننده میتواند ادعا کند اشتباه کرده و فکر می کرده به دیگری بدهکار بوده ولی در برات پس از قبولی به موجب اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات برات، قبول کننده در مقابل دارنده از مسئولیت بری نمی شود. برات گیر نمی تواند در مقابل دارنده با حسن نیت برات ادعا کند اشتباه کرده است و قبولی در اثر اشتباه بوده است.

ملاک حسن نیت هم علم و اطلاع دارنده سند تجاری است اگر دارنده برات مطلع بوده که برات گیر از روی اشتباه برات را قبول کرده دارای حسن نیت نیست ولی اگر نمی دانسته، دارنده برات با حسن نیت است. به نظر می رسد علت این قاعده این است که اسناد تجاری اگر بخواهند کار پول را انجام دهند باید محکم و مطمئن باشند و افراد متعهد در اسناد تجاری نباید بتوانند از اجرای تعهدات خود شانه خالی کنند تا به این ترتیب دارنده همانند پول با اطمینان آن را دریافت کند.

برات گیر نمی تواند هنگام قبولی برات تغییراتی در برات ایجاد کند یا باید برات را با تمام مندرجات آن قبول یا رد کند و حق تغییر در مندرجات آن را ندارد چرا که برات گیر حتی اگر با یکی از مندرجات برات هم موافق نباشد می تواند برات را قبول نکند و اصطلاحاً نکول کند و هیچ اجباری در قبولی برات ندارد مثلاً اگر محل قبولی برات شهر مشهد باشد و برات گیر بنویسد برات را قبول کردم ولی در تبریز، این قبولی به عنوان قبولی مشروط و در حکم نکول و عدم قبول می باشد. تنها تغییری که برات گیر در برات می تواند بدهد بر اساس ماده ۲۳۲ قانون تجارت کاهش مبلغ برات است در این صورت مابقی مبلغ برات نکول شده محسوب می شود بنابراین می توان گفت که بر اساس ماده ۲۳۳ قانون تجارت قبولی برات باید بدون قید و شرط باشد و قبولی مشروط در حکم نکول و عدم قبول است.

البته براتگیر در حدود شرطی که قبول کرده مسئول است در مقابل قبولی مشروط دارنده برات می تواند برات را نکول شده تلقی کند یا اینکه قبولی مشروط را غنیمت دانسته و منتظر تحقق شرط شود و آن گاه برات را وصول نماید. برات گیر می تواند هنگام قبول برات درج نماید محل پرداخت بانک او باشد و در هنگام سررسید دارنده برات مستقیماً به بانک مراجعه می کند در این صورت برات گیر باید هماهنگی لازم را با

بانک انجام دهد تا برات های قبول شده از سوی او را از حسابش پرداخت کند در این حالت دارنده برات هم برایش مطلوبتر است زیرا معطل نمیشه و نه مشکل حمل پول را خواهد داشت بلکه می تواند با رجوع به بانک پول را وصول و به حساب خود واریز کند همچنین برات گیر ممکن است در محل تجارت خود پول نگهداری نکند.

البته نکته مهم این است که بانک یا محل مورد نظر باید در همان شهر محل تادیه باشد زیرا برات گیر حق تغییر مندرجات سند را ندارد زیرا شهر تادیه در برات مشخص شده است (ماده ۲۳۴ قانون تجارت)

نکته: وقتی دارنده برات، برات را به برات گیر ارائه می کند برات گیر حق دارد از دارنده برات بخواهد مراجعه ی دومی را انجام دهد در مورد اول برات گیر، برات نه نکول و نه قبول می کند زیرا ممکن است برات گیر نیاز داشته باشد تا بررسی کند آیا به برات دهنده بدهکار است یا خیر؟ و این بررسی و کنترل ممکن است زمانی به طول انجامد این درخواست برات گیر در ماده ۲۳۵ قانون تجارت به معنای عدم قبول و نکول برات نیست.

نکول برات یا عدم قبول:

نکول متضاد قبول است اشاره کردیم که برات گیر هیچ تکلیفی در قبولی برات ندارد و می تواند برات را نکول کند حتی اگر معادل مبلغ برات به برات دهنده بدهکار باشد زیرا تعهدات ناشی از امضای اسناد تجاری بسیار سنگین است، برات در سه صورت نکول شده تلقی می شود:

۱- برات گیر صراحتاً برات را نکول کند مثلاً کلمه یا عبارتی بنویسد که دلالت بر نکول کند.

۲- از قبول و نکول امتناع نماید یعنی نه مینویسد قبول است و نه مینویسد نکول است

۳- برات را به صورت مشروط قبول کند.

وقتی برات نکول شود دارنده برات نگران سرنوشت آن خواهد بود به همین دلیل ماده ۲۳۷ قانون تجارت در صورت نکول برات به دارنده برات حق داده که به برات دهنده و ظهر نویسان مراجعه نموده و از آنها ضامن بخواهد و اگر برات دهنده و ظهر نویسان از معرفی ضامن خودداری کردند دین موجب به دین حال تبدیل میشود، ضامن که در اینجا مورد نظر است اینطور نیست که هر کسی که برات دهنده و ظهر نویسان معرفی کردند دارنده برات ملزم به قبول آنها باشد بلکه ضامن باید فرد معتبری باشد و دارنده برات ضمانت او را بپذیرد، البته دارنده برات برای این که حق داشته باشد که به آن اعتراض نکول یا پروتست نکول گفته می شود (ماده ۲۳۶ قانون تجارت) و همانطور که

اشاره کردیم در صورتی که برات دهنده و ظهر نویسان مورد مراجعه از دادن ضامن خودداری کنند دین موجب به دین حال تبدیل می‌شود.

اعتراض نکول یا واخواست نکول:

قانون تجارت دو اصطلاح به کار برده است: اعتراض و پروتست

فرهنگستان قدیم به جای این دو اصطلاح، اصطلاح واخواست را به کار برده است، واخواست دو نوع است: واخواست نکول و واخواست عدم تادیه دیه.

اگر برات گیر، برات را قبول نکند و اصطلاحاً برات را نکول نماید اگر دارنده برات در اینصورت بخواهد از مزایای نکول استفاده کنند واخواستی که دارنده برات می‌کند واخواست نکول است.

اگر براتگیر در سررسید برات را پرداخت نکند واخواست دیگری مطرح می‌شود که به آن واخواست عدم تادیه می‌گویند پس واخواست تایید رسمی نکول یا تایید رسمی عدم تادیه است، واخواست حتماً باید به صورت کتبی به عمل آید و آن سندی که متضمن واخواست است به آن اصطلاحاً واخواست نامه یا اعتراض نامه گفته می‌شود.

در خصوص واخواست وزارت دادگستری اوراقی را به صورت چاپی تهیه و در اختیار اشخاصی قرار می‌دهد که مشخصات کامل روی سند و مشخصات کامل ظهر سند و مشخصات واخواست کننده و واخواست شونده در آن درج می‌شود این فرم ها در سه نسخه تنظیم می‌شوند و دارنده سند باید ابتداءً هزینه واخواست را پرداخت کند که هزینه آن دو درصد بوده و این هزینه به صورت تمبر روی سند الصاق می‌شود یا نقش تمبر روی آن می‌زنند بعد از پرداخت شدن هزینه باید این واخواست به دایره واخواست دادگستری ارائه شود این واخواست نامه در دفتر ثبت واخواست ثبت می‌شود و شماره ثبت و تاریخ ثبت روی واخواست نامه قید می‌شود پس از مرجع قضایی که دایره واخواست زیر نظر آن قرار دارد دستور ابلاغ واخواست را می‌دهد بر این اساس از سه نسخه مذکور یک نسخه به ابلاغ شونده داده می‌شود و مامور ابلاغ روی دو نسخه دیگر از ابلاغ شونده امضا می‌گیرد و خود مامور نیز دو نسخه دیگر را امضا می‌کند این دو نسخه به دایره واخواست باز می‌گردند و یک نسخه از آن ها بایگانی شده و معمولاً در عمل بعد از ۱۵ تا ۲۰ روز واخواست کننده به دایره واخواست رجوع کرده و نسخه دیگر را دریافت می‌کند.

واخواست نکول فقط مخصوص برات است زیرا فقط در برات بحث نکول مطرح است و فقط در پرداخت شخص ثالث به عنوان برات گیر مطرح است ولی واخواست عدم تادیه هم در مورد برات و هم سفته مطرح می‌باشد هرچند در خصوص چک ماده ۳۱۴

قانون تجارت تصریح دارد انجام وخواست عدم تادیه ضروری است اما با توجه به پیش‌بینی صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک در خصوص لزوم وخواست در مورد چک اختلاف وجود داشت نهایتاً در سال ۱۳۲۹ رای وحدت رویه دیوان عالی کشور حکم مسئله را روشن نمود و بر اساس آن در خصوص چک در صورت صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک لزومی به وخواست نخواهد بود و گواهی عدم پرداخت مذکور در حکم وخواست است.

در چک برای صدور گواهی عدم پرداخت حتی تقاضا لازم نیست زیرا طبق قانون چک بانک موظف است بلافاصله در صورت عدم تأدیه گواهی عدم پرداخت صادر نماید صدور گواهی عدم پرداخت هزینه ای در بر ندارد و در کمترین زمان صادر می‌شود و گواهی مذکور در فرمی درج می‌شود که مشخصات کامل دارنده چک و صاحب حساب روی آن قید می‌شود یکی از مزیت‌های چک همین است که دیگر نیازی به صدور وخواست نیست و همین گواهی عدم تادیه که بدون تشریفات و بدون صرف هزینه و در زمان کوتاه صادر می‌شود جانشین تقاضای وخواست می‌شود که نیازمند هزینه و تشریفات ویژه نیست بنابراین در عمل چک هزینه و تشریفات طولانی وخواست را ندارد.

در مورد برات ابلاغ شونده وخواست برات گیر است چه وخواست نکول باشد چه واخواست عدم تادیه باشد در برات در هر دو حالت وخواست شونده برات گیر است در مورد سفته وخواست شونده صادرکننده سفته است.

مهلت وخواست: در مورد وخواست نکول در قانون مهلتی مقرر نیست معمولاً در فاصله بین تاریخ صدور سند و تاریخ سررسید هر زمانی که دارنده سند مناسب تشخیص دهد می‌تواند برای وخواست نکول اقدام کند مگر این که در سند برای ارائه به برات گیر مهلتی معین شده باشد ولی در وخواست عدم تادیه مهلتی مقرر است ماده ۲۸۰ قانون تجارت مهلتی ده روزه معین کرده است یعنی ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ سررسید باید وخواست عدم تادیه را در دفتر ثبت وخواست ها به ثبت برساند، ملاحظه نمودیم وخواست در مورد برات به برات گیر ابلاغ می‌شود و در مورد سفته به صادرکننده سفته و می‌دانیم غیر از این دو اشخاص دیگری هم در این سند مداخله دارند و با امضا سند آنها نیز متعهد شده اند، حال وقتی برات با عدم پرداخت روبرو می‌شود حتی پس از انجام وخواست عدم تادیه چه کسانی مطلع خواهند بود در این صورت برات گیر و دارنده برات تا این مرحله از عدم پرداخت برات مطلع خواهند بود این در حالی است که بر اساس ماده ۲۴۹ قانون تجارت برات دهنده و ظهرنویسان پس از وخواست عدم تادیه در برابر دارنده متضامناً مسئول هستند و اگر دارنده برات به طور ناگهانی به برات دهنده یا ظهرنویس ها رجوع کند چون از عدم تادیه اطلاع ندارند با مشکل مواجه می‌شوند به همین دلیل در کنار ابلاغ وخواست نامه عدم تادیه باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ثبت وخواست اطلاعیه ای از سوی دارنده برات برای کسی که برات

را از او گرفته ارسال شود نحوه ارسال این اطلاعیه هم به موجب قانون از طریق اظهارنامه رسمی یا نامه سفارشی دو قبضه می باشد ظرف ده روز از تاریخ دریافت این اطلاعیه شخصی که آن را دریافت می کند به همین طریق باید این اطلاعیه را برای ید سابق خود ارسال کند تا به این ترتیب اطلاعیه برای صادر کننده برات ارسال شود این ترتیب در مواد ۲۸۴ و ۲۸۵ قانون تجارت ذکر شده است با توجه به اینکه قانون صریحاً ضمانت اجرای عدم ارسال این اطلاعیه توسط دارنده برای ید ما قبل خود را اعلام نکرده است در عمل و در رویه دادگاه ها در خصوص اثر عدم ارسال این اطلاعیه اختلاف ایجاد شد یک دادگاه عدم ارسال اطلاعیه را مانع حق رجوع دارنده ای که وخواست کرده به برات دهنده و ظهرنویسان نمی دانست و دادگاه دیگر آن را مانع می دانست نهایتاً دیوان عالی کشور نظری را پذیرفت که بر اساس آن عدم ارسال اطلاعیه مانع مراجعه دارنده برات به برات دهنده و ظهرنویسان نمیشود البته فقدان ضمانت اجرای این دو ماده به معنای نسخ این دو ماده نیست زیرا نسخ قوانین در صلاحیت دیوان عالی کشور نیست و در این خصوص می توان گفت بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی اگر این اطلاعیه ارسال نشود کسانی که حق دریافت آن را داشتند میتوانند از اشخاصی که موظف به ارسال آن بودند مطالبه خسارت کنند مشروط بر اینکه به علت عدم ارسال اطلاعیه به آنها خسارت وارد شده است یعنی ضمانت اجرای این دو ماده امکان مطالبه خسارت می باشد.

قبولی شخص ثالث: وقتی برات صادر می شود هدف آن است که وجه آن توسط برات گیر پرداخت شود همانطور که دیدیم کسی که برات بر عهده او صادر می شود یعنی برات گیر حتی اگر معادل برات به برات دهنده بدهکار باشد به علت سنگین بودن تعهدات ناشی از امضای اسناد تجاری هیچ تکلیفی به قبولی برات ندارد با نکول برات دارنده برات مطمئن خواهد شد که برات گیر، برات را در سررسید پرداخت نخواهد کرد برای اینکه اعتبار برات دهنده و ظهرنویسان لطمه نبیند و از سوی دیگر نگرانی دارنده برات از سرنوشت سند برطرف شود قانونگذار نهاد حقوقی قبولی ثالث را پیش بینی نموده است. یعنی ثالث مداخله کرده و برات را قبول می کند تا در سررسید آن را پرداخت کند و در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی پیدا می کند قبول شخص ثالث در دو صورت ممکن است:

۱- در برات دخالت شخص ثالث پیش بینی شود در برات قید شود در صورت نکول برات گیر دارنده برات باید به شخص ثالثی جهت قبولی مراجعه کند ۲- صورت دوم اینکه شخص ثالث به میل خود و به ابتکار خود دخالت نموده و برات را قبول نماید یعنی قبولی برات توسط شخص ثالث در برات پیش بینی نشده است ولی او به میل خود وارد شده و برات را قبول میکند.

در قانون تجارت مواد ۲۳۹ و ۲۴۰ به این موضوع اشاره دارند بر اساس ماده ۲۳۹ شخص ثالث می تواند به نام برات دهنده یا یکی از ظهرنویس ها برات را قبول کند

قبولی شخص ثالث به نفع برات گیر اصلی پیش‌بینی نشده زیرا برات گیر وقتی برات را قبول نکرده و نکول می‌کند تعهدی به پرداخت ندارد و از آنجا که تعهدی ندارد دخالت شخص ثالث از جانب او بی‌معنا خواهد بود در حالیکه برات دهنده و ضرر ظهرنویسان در مقابل دارنده برات متضامناً مسئول هستند. بر اساس ماده ۲۳۹ قانون تجارت این دخالت باید در جایی منعکس شود و قبولی شخص ثالث باید در واقع و خواست نکول قید شود و به امضای وی برسد.

نکته دیگر این است که اگر شخص ثالث برای قبولی برات دخالت نماید، شخص یا اشخاصی که مورد مراجعه قرار گرفته‌اند تا سررسید مصون بمانند و مورد مراجعه دارنده برات قرار نگیرند این در حالی است که ماده ۲۴۰ خلاف آن را بیان می‌کند و بر اساس آن حتی در صورت قبولی شخص ثالث دارنده برات می‌تواند از امتیازات نکول استفاده کند یعنی به برات دهنده یا ظهرنویس رجوع کرده و ضامن بخواهد و اگر ضامن معرفی نکردند، دین موجد به دین حال تبدیل می‌شود با توجه به ظاهر ماده پس از وخواست نکول حتی با وجود قبولی شخص ثالث می‌توان به برات دهنده یا ظهرنویس ها رجوع کرد. در حالی که این امر نقض غرض است زیرا هدف از قبولی شخص ثالث جلوگیری از رجوع به برات دهنده و ظهر نویس ها و لطمه نخوردن به اعتبار آنها است. برای اینکه این ماده در تعارض با مبنای شناسایی قبول شخص ثالث نباشد در توجیح آن می‌توان گفت دو حالت قابل تصور است اگر دخالت ثالث در برات پیش‌بینی شده یکی از مندرجات برات را تشکیل می‌دهد و دارنده برات حتماً باید به شخص ثالث رجوع کند زیرا برات را با کلیه مندرجات آن پذیرفته است و از مندرجات آن این است که در صورت نکول به شخص ثالث معین رجوع نماید پس باید در صورت قبولی شخص ثالث تا سررسید صبر نماید زیرا دین موجد است و علیرغم ظاهر ماده ۲۴۰ دارنده برات نمی‌تواند به هیچکس رجوع کند ولی اگر دخالت شخص ثالث در برات قید نشده باشد دارنده برات می‌تواند قبولی شخص ثالث را نپذیرد مخصوصاً آن که قبولی شخص ثالث در وخواست نکول ذکر می‌شود بنابراین در حالت دوم است که اگر شخص ثالث برات را قبول کند، دارند می‌تواند این قبولی را در نظر نگیرد و در اینجاست که حکم ماده ۲۴۰ اجرا می‌شود و دارنده برات می‌تواند به برات دهنده و ظهرنویس ها رجوع کند و از آنها ضامن بخواهد.

نکته دیگر در این خصوص این است که منعی ندارد برات گیر که برات را نکول کرده خودش به عنوان ثالث برات را قبول کند زیرا قبول برات به عنوان برات گیر به معنای اقرار است ولی اگر به عنوان ثالث برات را قبول نماید در این صورت اقرار بر بدهکاری ننموده است و در صورت پرداخت میتواند خود به عنوان دارنده به ایادی ما قبل شخصی که از جانب او قبول کرده و برات دهنده رجوع نماید.

ضامن: افراد گوناگون در اسناد تجاری دخالت می‌کنند این اشخاص که در ماده ۲۴۹ به آنها اشاره شده در مقابل دارنده برات در صورتیکه برات پرداخت نشود مسئولیت دارند

که شامل برات دهنده، قبول کننده برات که اعم از برات گیر یا قبول کننده یا شخص ثالث قبول کنند و همچنین ظهرنویسی یا ظهرنویسان می باشند. در ادامه این ماده مسئولیت تضامنی مسئولان تشریح شده است اگر سند تجاری در سررسید به کسی که قرار است وجه این سند را پرداخت کند اراده ارائه شود که در مورد برات این شخص برات گیر است و در مورد سفته این شخص صادر کننده سفته است اگر این افراد پرداخت کردند که مسئولیت تضامنی امضاکنندگان منتفی است زیرا مسئولیت تضامنی زمانی تحقق پیدا می کند که مسئول پرداخت وجه سند را پرداخت نکند و اگر پرداخت کند مسئولیت تضامنی سایر افراد از بین می رود. اگر مسئول پرداخت وجه سند را پرداخت نکند دارنده سند و خواهی می کند و سپس می تواند به هر یک که خواست رجوع نمایند. نکته دیگر در این خصوص این است که مقررات حاکم بر اسناد تجاری فقط برای حفظ منافع دارنده سند وضع نشده اند. دارنده سند رجوع را به همه ظهرنویسان و برات دهنده را دارد در این صورت ظهرنویس هم اگر مورد مراجعه قرار گیرد حق رجوع به ظهر نویسان ما قبل خود و برات دهنده را دارد این امر برای حفظ منافع ظهرنویس است زیرا بدهکار اصلی ظهرنویس نبوده است. از جمله دلایل اینکه ظهرنویس حق رجوع به ایادی ما بعد خود را دارند این است که دور ایجاد نشود در این حالت اگر یکی از این افراد یعنی مسئولان تضامنی مذکور وجه سند را بپردازد همه مسئولین تضامنی بری الذمه می شوند و البته حق رجوع دارنده سند تا زمانی که وجه برات وصول نشده به هر یک از این افراد وجود دارد.

در رجوع دارنده به ظهر نویس ها و برات دهنده هیچ ترتیبی لازم نیست رعایت شود علاوه بر افراد فوق ضامن هم نسبت به وجه اسناد تجاری مسئولیت دارند. هم برات گیر ممکن است ضامن داشته باشد و همچنین برات دهنده و ظهرنویس ماده ۲۴۹: کسی که از برات دهنده یا ظهرنویس یا قبول کننده ضمانت می کند با همان فرد مسئولیت تضامنی دارد، با توجه به اینکه ضامن تنها با شخصی که از او ضمانت کرده مسئولیت تضامنی دارد، دارنده سند زمانی حق رجوع به ضامن را دارد که به شخصی که ضامن از او ضمانت کرده حق رجوع داشته باشد. دارنده سند برای داشتن حق رجوع به برات دهنده و ظهرنویس باید و خواهی کند اگر ظهرنویس ضامن داشته باشد بدون خواهی دارنده سند حق رجوع به ظهرنویس را ندارد پس طبیعتاً حق رجوع به ضامن را نیز نخواهد داشت بر این اساس ضامن نسبت به ایادی بعد از شخصی که از او ضمانت کرده مسئول است فرض کنید ۵ ظهرنویس داریم و ظهرنویس سوم یک ضامن دارد این ضامن نسبت به ظهرنویس چهارم و پنجم و دارنده سند مسئول است و آنها حق رجوع به او را دارند. ضامن اگر بر این اساس مورد مراجعه قرار گیرد حق رجوع به آن که از او ضمانت کرده و علاوه بر آن حق رجوع به کلیه کسانی را دارد که کسی که از او ضمانت کرده و علاوه بر آن حق رجوع به کلیه کسانی را دارد که کسی که از او ضمانت کرده حق رجوع به آن ها را دارد در این مثال ظهرنویس سوم، دوم، اول و برات دهنده می باشد



ظهر نویسی: به سه منظور ممکن است انجام شود: ۱- ظهرنویسی به منظور انتقال ۲-  
به منظور وکالت در وصول ۳- به منظور وثیقه

ظهرنویسی به منظور انتقال: بر اساس ماده ۲۴۵ انتقال برات با ظهرنویسی به عمل می‌آید منظور انتقال کلیه حقوق ناشی از سند است ظهرنویسی بر این اساس مکانیزمی است برای انتقال حقوق سند تجاری این مکانیزم از ابتدا وجود نداشت وقتی برات صادر می‌شد غیرقابل انتقال بود و فقط کسی که نام او به عنوان دارنده روی برات نوشته شده بود حق داشت در سر رسید وجه سند را مطالبه کند. در قرن ۱۶ بازرگانان ایتالیایی این مکانیزم را ابداع کردند ولی همه برات‌ها قابل ظهرنویسی نبود و فقط اسنادی قابل ظهرنویسی بودند که روی آن عبارت به حواله کرد ذکر شده بود، این رویه تا قرن ۲۰ ادامه داشت نهایتاً در مقررات ژنو مقرر گردید برات ظهرنویسی قابل انتقال است خواه عبارت حواله کرد در آن قید شده باشد یا خیر. نظام حقوقی ما نیز این رویه را قبول دارد در ماده ۲۴۶ دو دسته شرط برای ظهرنویسی شناخته شده است. شروط الزامی و شروط اختیاری

شروط الزامی: ۱- کتبی بودن ظهرنویسی که باید به صورت امضا باشد ۲- درج شدن ظهرنویسی پشت خود برات

البته مکانیزم دیگری در انتقال برات وجود دارد و آن مکانیزم قبض و اقباض است، اسناد در وجه حامل را میتوان با مکانیزم قبض و اقباض منتقل کرد؛ اگر سند به نام شخص معین باشد دیگر این مکانیزم فایده ندارد و باید با مکانیزم ظهرنویسی منتقل شود شخصی که با قبض و اقباض سند را انتقال میدهد ظهرنویس محسوب نمی‌شود پس در مقابل دارنده نیز مسئولیت تضامنی نخواهد داشت.

شروط اختیاری: ۱- ذکر تاریخ ظهرنویسی ۲- ذکر نام کسی که با ظهرنویسی سند به او انتقال پیدا میکند

ظهرنویسی به منظور وکالت در وصول: در این نوع ظهرنویسی دارنده سند حقوق مترتب بر سند را انتقال نمی‌دهد بلکه با نوشتن عبارتی در ظهر سند برای وصول آن سند اقدام به ظهرنویسی می‌کند یعنی وصول وجه سند را به دیگری واگذار می‌کند و در عمل تجار و دارندگان اسناد تجاری به نام بانک‌های خودشان این نوع ظهرنویسی را انجام می‌دهند چون بانک‌ها با سرعت و دقت این کار را انجام می‌دهند. در واقع می‌توان گفت این نوع ظهرنویسی متداولترین نوع ظهرنویسی است و علت آن امتیازاتی است که این کار دارد و در عمل شاید نتوان موردی را پیدا کرد که دارنده سند تجاری خود شخصاً برای وصول وجه سند اقدام کند، بلکه عموماً وصول سند را به بانک محول می‌کنند.

نکته: بر اساس ماده ۲۴۷ قانون تجارت اگر ظهرنویسی به طور مطلق انجام شود یعنی تصریح نشود ظهرنویسی به منظور انتقال بوده یا وکالت در وصول، ظهرنویسی به منظور انتقال محسوب می‌شود و دارنده مالک سند محسوب می‌شود مگر اینکه در ظهرنویسی تصریح کند که ظهرنویسی به منظور وکالت در وصول انجام شده است

ظهرنویسی به عنوان وثیقه: یعنی دارنده سند تجاری از سند خود به عنوان وثیقه استفاده نماید. تاجر هر قدر هم که از جهت مالی توانمند باشد در زمان‌هایی ممکن است نیاز به دریافت وام داشته باشد البته بانک‌ها هم استقبال می‌کنند که افراد معتبر از پولهای آنها استفاده کنند. چرا که این عملیات برای آنها سود آور است اما بانک این نگرانی را دارد که پولش بازنگردد به همین دلیل وثیقه می‌گیرد، وثیقه ای که معمول است وثیقه ای ملکی است که در قالب عقد رهن و در دفاتر اسناد رسمی به صورت رسمی تنظیم می‌شود که زمان بر بوده و البته تنظیم سند رسمی رهن نسبتاً هزینه بالایی هم دارد اما اگر سند تجاری به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد در مدت کوتاهی وثیقه گذارنده سند را ظهرنویسی کرده و در اختیار وثیقه گیرنده قرار می‌دهد. البته نگهداری این اسناد ساده تر بوده و نیز علی‌الاصول بانک هر سندی را به عنوان وثیقه نمی‌پذیرد. بلکه اسنادی را می‌پذیرد که امضا کنندگان آن افراد معتبری باشند این نوع ظهرنویسی یعنی ظهرنویسی اسناد تجاری به منظور وثیقه در قانون تجارت پیش‌بینی شده است زیرا مواد قانونی مربوط به ظهرنویسی ترجمه از قانون تجارت فرانسه هستند که در آن زمان این نوع ظهرنویسی در فرانسه رایج نبوده است.

قواعد عمومی وثیقه و رهن: برخی حقوقدانان معتقدند چون رهن عین مجاز است و رهن دین مطابق حقوق مدنی مجاز نمی‌باشد رهن اسناد تجاری چون این اسناد سند دین محسوب می‌شود صحیح نمی‌باشد و بر این اساس در خصوص رهن یا وثیقه گذاشتن اسناد تجاری اختلاف نظر است ولی چون در سایر مواد قانون تجارت مثلاً در مقررات شرکت‌های تجاری وثیقه گذاشتن سهام توسط مدیران مورد پذیرش قرار گرفته علی‌رغم عدم صراحت قانون تجارت وثیقه گذاشتن اسناد تجاری را پذیرفته است.

پرداخت توسط شخص ثالث: مواد ۲۷۰ تا ۲۷۳ قانون تجارت به پرداخت برات توسط ثالث اشاره دارد. بر اساس ماده ۲۷۰ پرداخت برات توسط شخص ثالث از جانب برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها پذیرفته شده است و دخالت و پرداخت از جانب برات گیر شناسایی نشده است زیرا برات گیر یا برات را قبول کرده و در این صورت بدهکار است که بدهی خود را نمی‌پردازد و قانون تجارت او را قابل حمایت نمی‌داند.

نکته: در حقوق مدنی پرداخت دین از جانب غیرمدیون مجاز است (یعنی شخص ثالث) ولی او تنها زمانی حق رجوع به مدیون را دارد که از طرف او برای پرداخت دین ماذون بوده باشد. اما در اسناد تجاری به طور مطلق ثالث پس از پرداخت بر اساس ماده ۲۷۱ قانون تجارت حق مراجعه خواهد داشت، بر اساس ماده ۲۷۲ قانون تجارت اگر

شخص ثالث از جانب یک ظهرنویس مبلغ برات را بپردازد به ظهرنویسان بعد از او حق رجوع نخواهد داشت بنابراین در چنین حالتی ظهرنویس های بعدی بری الذمه می شوند. همچنین در صورتیکه افرادی متعدد حاضر شوند به عنوان شخص ثالث مبلغ برات را بپردازند در این صورت مثلاً شخصی از جانب برات دهنده حاضر به پرداخت مبلغ برات شود و شخص دیگری از جانب ظهرنویس سوم حاضر به پرداخت مبلغ برات شود بر اساس ماده ۲۷۳ قانون تجارت دارنده برات باید پیشنهاد کسی را بپذیرد که با پرداخت از جانب او افراد بیشتری بری الذمه می شوند. و اگر خود برات گیر خواست بپردازد پیشنهاد او بر همه مقدم است زیرا با پرداخت او همه امضاکنندگان بری الذمه می شوند در واقع قبول برات اقرار به بدهکاری است، در صورت قبول بدهکار اصلی سند برات گیر است حتی اگر دارنده برات به وظایف خود عمل نکند مثلاً وخواست عدم تادیه انجام ندهد باز هم حق رجوع به برات گیر و قبول کننده برات را دارد.

سفته یا فته طلب: اینکه مواد اندکی در قانون تجارت به سفته پرداخته است بیانگر آن است که حرف زیادی در مورد سفته وجود ندارد و عمده مقررات سفته به مانند برات است، مواد ۳۰۷ تا ۳۰۹ قانون تجارت به مقررات سفته پرداخته است بر اساس ماده ۳۰۷ قانون تجارت سفته سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخصی معین یا به حواله کرد آن شخص کارسازی و پرداخت نماید

بنابراین بر اساس این ماده مشاهده می شود که در سفته دو شخص دخالت دارند یکی صادرکننده و دیگری دارنده و برخلاف برات شخص سوم مطرح نمی باشد. موضوع سفته همانند برات پرداخت مقداری پول است، سفته در عمل مدت دار بوده و برای پرداخت های مدت دار مورد استفاده قرار می گیرد هر چند ماده ۳۰۷ قانون تجارت اجازه می دهد سررسید سفته عندالمطالبه و حال باشد ولی در عمل صدور سفته به صورت حال رواج ندارد شخصی که به عنوان دارنده سفته شناخته می شود ممکن است نامش در سند نوشته شود که در این حالت سفته در وجه شخص معین است البته ممکن است سفته در وجه حامل صادر شود و همچنین اینکه عبارت حواله کرد در سفته ذکر شود یا خیر تفاوتی ایجاد نمی کند و عدم ذکر آن موجب نمی شود سفته با ظهرنویسی قابل انتقال نباشد بر اساس ماده ۳۰۸ قانون تجارت مندرجات و شرایط صحت سفته عبارتند از:

- 1 - امضا یا مهر صادر کننده: همانند برات امضا یا مهر نشانگر قصد انشا صادر کننده است
- 2 - تاریخ: که منظور تاریخ صدور است
- 3 - مبلغ سفته: مبلغ شرایط اساسی این سند را تشکیل می دهد که باید با تمام حروف نوشته شود.

4 - تاریخ سررسید: با توجه به اینکه سفته سند مدت دار است باید تاریخ پرداخت آن در سند قید شود.

5 - نام دارنده سند: ظاهر این شرط با ماده قبل یعنی ۳۰۷ سازگار به نظر نمی رسد زیرا ماده قبل اجازه داده بود سفته در وجه حامل صادر شود. به این دلیل برای رفع این تعارض این شرط را باید به این صورت تفسیر نمود که فقط در زمانی که سفته در وجه شخص معین، در اینصورت نوشتن نام دارنده سند اجباری است و اگر در وجه حامل باشد نیاز به رعایت این شرط نخواهد بود بر اساس ماده ۳۰۹ قانون تجارت تمام مقررات راجع به برات یعنی ۱۲ مبحث مقررات برات غیر از سه مبحث اول در مورد سفته نیز لازم الرعایه است. این ماده مقررات سفته را به برات ارجاع می دهد، سه مبحث اول از مقررات برات که اجرای آن در خصوص سفته شناسایی نشده به این دلیل است که آن سه مبحث مختص مقرراتی هستند که با ماهیت سفته منافات دارند.

مبحث اول مربوط به شکل برات است که با شکل سفته فرق دارد، مبحث دوم در مورد قبول و نکول برات است که در مبحث سفته این مورد را نداریم و مبحث سوم مربوط به مقررات قبولی شخص ثالث است و وقتی ما قبول و نکول در سفته نداریم پس قبولی شخص ثالث هم معنایی ندارد.

چک: مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ قانون تجارت به چک اشاره دارد، در مورد چک قانون خاص هم داریم که مصوب سال ۵۵ است و در سال های ۷۲ و ۸۲ مورد اصلاح قرار گرفت و البته در سال ۱۳۷۷ به منظور کاهش چک های پرداختی قانون صدور چک اصلاح شد در مورد این قانون زیاد بحث نمیکنیم چون محل بحث آن حقوق جزای اختصاصی است.

ماده ۱۱۰ قانون تجارت را تعریف می کند در خصوص چک سه شخص دخالت دارند ۱- صادر کننده ۲- محال علیه ۳- دارنده چک

بر اساس قانون تجارت محال علیه ممکن است بانک باشد یا خیر ولی مطابق قانون صدور چک محال علیه حتماً باید بانک باشد دارنده چک می تواند صادر کننده چک باشد یعنی چک را به نام خود صادر نموده باشد.

نکات امتحان:

امتحان از ۲۰ نمره هاستش، پنج سوال هر کدام ۴ نمره

کتاب قانون در امتحان مجاز است

پاسخ ها خوانا باشد و از حداکثر سطر مجاز تجاوز نکند

موفق باشید

